زیبایی‌شناسی الگوی باغ در نگـــــارگری و باغسازی هند

(با تأکید بر دورهٔ گـورکـــانی)

پدیده عادلوند

عضو هیئت علمی مرکز پژوهشی نظر
پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا
padideh_adelvand@yahoo.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی "تأثیر متقابل هنر ایران و هند" و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۱ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

الگوی باغ، مفهوم ذهنی مشترک بین هنرمند «باغساز» و «نگارگر» است که در طول تاریخ تحت تأثیر جهان‌بینی سرزمین‌های مختلف بر نمودهای عینی متنوعی دلالت دارد. باغساز و نگارگر ایرانی به واسطهٔ جهان‌بینی مشترک ایرانی ـ اسلامی موجود در سرزمین و به دنبال درک مشترک از الگوی باغ، بر نمودار عناصر مشترکی از مفهوم باغ اتفاق نظر دارند. باغسازی و نگارگری از زمره هنرهای تجسمی هستند که با حکومت گورکانیان بر هند از ایران به این سرزمین وارد شده‌اند.

جهان‌بینی و درک مشترک بین نگارگر و باغساز ایرانی، باعث شده نگارنده به دنبال پاسخ این پرسش‌ها باشد که الگوی باغ در هند توسط نگارگر و باغساز چگونه در آثار نمودار شده است؟ و ازآنجا که باغسازی و نگارگری در هند الگوی ایرانی‌ـ اسلامی دارند آیا این الگو همچنان در طول تاریخ باغسازی و نگارگری هندی دوام داشته است؟ این مقاله به کمک مشاهدات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای به مقایسه تطبیقی نمونه‌هایی از هنر باغسازی و نگارگری هندی با تأکید بر باغ‌مقبره و نگاره‌های سبک گورکانی می‌پردازد.

الگوی باغ در باغسازی و به دنبال آن نگارگری هندی تحت تأثیر جهان‌بینی گورکانی و ویژگی‌های سرزمین هند از دلالت‌های معنایی الگوی اولیه خود فاصله گرفته و هویتی مستقل را در قالب زیبایی‌شناسی تسلط‌گرا به وجود آورده است. عظمت‌گرایی بنای داخل باغ، پوشش گیاهی پیرایش‌شده در فضای داخلی باغ و حضور آب به عنوان آرایه‌ای تزئینی ویژگی‌هایی است که نمودار عینی الگوی باغ در نگارگری و باغسازی هندی را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی

هند، دوره گورکانی، باغ‌مقبره، نگارگری، زیبایی‌شناسی تسلط‌گرا.

مقدمه

صورت باغ، مجموعه‌ای مرکب از مفاهیم ذهنی مشترک است که با مشمولیت زمان و تحت تأثیر محیط خلق می‌شود. اشتراکات مفاهیم ذهنی از جهان‌بینی حاکم بر یک سرزمین نشأت می‌گیرد که در قالب عناصر مشترک نمود پیدا می‌کند و زیبایی صوری و محتوایی آن را شکل می‌دهد. مراد از زیبایی‌شناسی باغ، تفسیر نظام صوری و معنایی عناصر باغ است که مجموعهٔ آنها در کنار یکدیگر کلیت باغ را می‌سازند.

باغسازی و به دنبال آن نگارگری هندی با الگوبرداری گورکانیان از باغسازی و نگارگری ایرانی به وجود می‌آید. «بابر» مؤسس سلسلهٔ گورکانیان هند (۱۵۳۰-۱۴۸۳م.) باغسازی را بهترین نماد برای نمایش قدرت در نظم‌بخشی به یک سرزمین می‌دانست؛ تاحدی‌که با فتح یک سرزمین و برگزیدن آن ساخت باغ را در دستور کار خود قرار می‌داد. بابر در سرزمین هند، به عنوان قلمرو امپراتوری دورهٔ گورکانی، در خاطرات خود نیز ضمن ابراز نارضایتی از بی‌نظمی این سرزمین، انتظام‌بخشی بدان را هدفی عمده برمی‌شمارد. این اقدام بابر نیز توسط پیروانش دنبال می‌شود؛ به طوری که ایشان هرگونه تلاش و اقدامی جهت تأمین آن را وسیلهٔ مباهات خود تلقی می‌کنند.

باغسازی در هند به مرور و با مشمولیت زمان و ویژگی‌های سرزمین از جمله محیط، فرهنگ و جهان‌بینی حاکم، دستخوش تغییر می‌شود تا با جهان‌بینی و فرهنگی که آن را مورد محاکات قرار داده منطبق شود. بنابراین اگرچه ابتدا تحت تأثیر زیبایی‌شناسی باغسازی ایرانی شکل می‌گیرد، اما به تدریج تحت تأثیر جهان‌بینی مسلط گورکانیان جنبه‌های زیبایی‌شناسی عناصر باغ تغییر پیدا می‌کند. این مقاله درصدد است با بررسی عناصر مشترک از نمودار الگوی باغ در باغسازی و نگارگری هندی به زیبایی‌شناسی آنها با تأکید بر دوره گورکانی بپردازد.

فرضیه

الگوی باغ در باغ‌مقبره و نگاره‌های هندی تحت حاکمیت جهان‌بینی گورکانی از یک زیبایی‌شناسی تسلط‌گرا پیروی می‌کند.

عناصر مشترک زیبایی‌ساز باغ و نگارگری هندی

عنصر آب : حضور آب در شکل‌گیری باغ ایرانی نقشی محوری و جدایی‌ناپذیر دارد، چنانکه "تصور باغ ایرانی به مثابهٔ یک کل بدون نقش‌آفرینی آب، ناممکن است" (منصوری، ۱۳۸۴). تنوع حضور آب در باغ ایرانی بر سه کارکرد معنایی، عملکردی و زیبایی‌شناختی دلالت دارد که خود تحت تأثیر تاریخ، جهان‌بینی و فرهنگ ایرانیان خلق شده است (برای مطالعهٔ بیشتر نک. همان). با ورود باغ ایرانی به هند کارکردهای سه‌گانهٔ عنصر آب تحت تأثیر محیط و جهان‌بینی گورکانیان دستخوش تغییر می‌شود. چنانکه در باغ‌های هندی کاربرد عملکردی و معنایی حوض‌ها و جوی‌های آب کمرنگ و جنبهٔ زیبایی‌شناختی آن در قالب تزیین‌گرایی و نمادین پررنگ می‌شود. آب دیگر در باغ هندی عنصری منظرساز نیست، بلکه در خدمت نمایش نظم هندسی حاکم بر باغ هندی قرار دارد. علاوه براین محوطهٔ تخت و بدون شیب باغ‌مقبره‌های هندی (به جز کشمیر که موضوع مورد مطالعهٔ این مقاله نیست) از پویایی گردش آب در باغ جلوگیری می‌کند و جنبه‌ای ایستا به آن می‌دهد. اگرچه با حضور در باغ‌های هندی احساس می‌شود وجود آب و حرکت آن در کیفیت و مطبوعیت فضا آنطور که در باغ ایرانی شاهدش هستیم نقش‌آفرینی نمی‌کند، اما در عین حال عنصر غیرقابل حذف باغ نیز به شمار می‌رود (تصاویر۱).

تصاویر۱. عنصر آب در باغ‌های هندی کارکردی تزیینی و نمادین دارد.

تصویر۱الف. باغ‌مقبره بی‌بی‌کا. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

تصویر۱ب. باغ‌مقبره همایون. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

تصویر۱ج. باغ‌مقبره بی‌بی‌کا. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

نکته جالب توجه در این خصوص آن است که در نگاره‌های هندی نیز این کارکرد مشهود است. تشخیص نگاره‌های هندی با موضوع باغ تنها با نمایش حوض آب امکان‌پذیر است. به عبارتی اگر در نگاره‌ای حوض آب وجود داشته باشد قطعاً نگاره با باغ در ارتباط است. با بررسی نگاره‌ها به نظر می‌رسد بتوان وجود عنصر آب در آنها را به دو گروه عمده تقسیم کرد : ۱) نگاره‌هایی که موضوع، نمایش باغ است؛ مانند نگاره‌های بابرنامه که از توصیفات وی در خصوص باغ و باغسازی تصویرسازی شده‌اند. در این گروه نمایش عنصر آب بسیار اهمیت دارد به طوری که حتی نوشته‌های نگاره‌ها نیز بر توصیف از حوض و تأثیر آن بر چگونگی ساخت باغ متمرکز است؛ حوض چهاربخشی آب با انشعاباتش در مرکز نگاره قرار دارد و بیشترین توجه بیننده را به خود معطوف می‌کند. از آنجا که این نگاره‌ها براساس توصیفات بابرنامه از چگونگی ساخت باغ به تصویر کشیده شده‌اند، لذا شاهد تأکید بر وجه عملکردی باغ با نمایش حضور پویای آن در نگاره هستیم که بر آبادانی و حیات باغ تمرکز دارد. به نظر می‌رسد این نگاره‌ها به الگوی ایرانی باغسازی هندی نزدیک هستند (تصاویر۲).

۲) نگاره‌هایی است که به موضوعی غیر از باغ اما در بستر آن می‌پردازد. حضور آب در این گروه از نگاره‌ها به شکل حوضی کوچک، نمادین و تزیینی در جلوی نشیمن‌گاه حاکم خودنمایی می‌کند که حتی در برخی نگاره‌ها به صورت کامل نیز تصویر نشده است. مرکز نگاره که بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند بر موضوعی غیر از عنصر آب توجه دارد. در اینجا دیگر آبیاری باغ و آبادانی آن اهمیت ندارد؛ چنانکه دیگر از انشعابات حوض در باغ و پای درختان که در گروه اول شاهد آن بودیم اثری نیست. به نظر می‌رسد حضور آب در نگاره‌ها نه به دلیل نمایش وجه عملکردی و زیبایی‌شناسانه آن که از آرمان باغسازی بابر در پی نظم‌بخشی به فضای بی‌نظم سرزمین هند نشأت می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت وجه نمادین عنصر آب در این نگاره‌ها اهمیت دارد که بر نمایش قدرت حاکم در انتظام‌بخشی به فضای متعلق وی دلالت می‌کند (تصاویر۳).

عنصر گیاه : طبیعت در جهان‌بینی ایرانی ـ اسلامی وسیله‌ای است برای ساخت فضایی مناسب با طبع انسان. انسان ایرانی اجازه مداخله در طبیعت را تاحدی دارد که زمینه‌ساز رشد او باشد. انسان و طبیعت در هنر باغسازی ایران شخصیت‌های مستقلی هستند که به صورت توأمان در ساخت و پرداخت منظر ایفای نقش می‌کنند. انسان با ساماندهی فضا و انتظام

تصاویر۲. تشخیص نگاره‌ها با موضوع باغ براساس تأید بر حوض آب و انشعابتش صورت می‌گیرد.

تصویر۲الف. منظره باغ. مأخذ : bodley30.bodley.ox.ac.uk

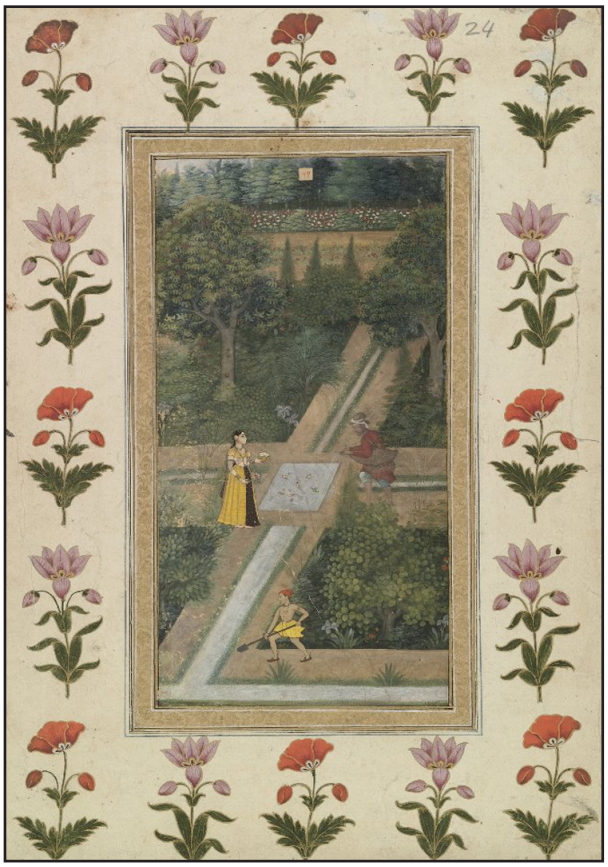

تصویر۲ب. باغ بابر. مأخذ : depts.washington.edu

تصویر۳الف. برگی از رزم‌نامه. مأخذ : www.columbia.edu

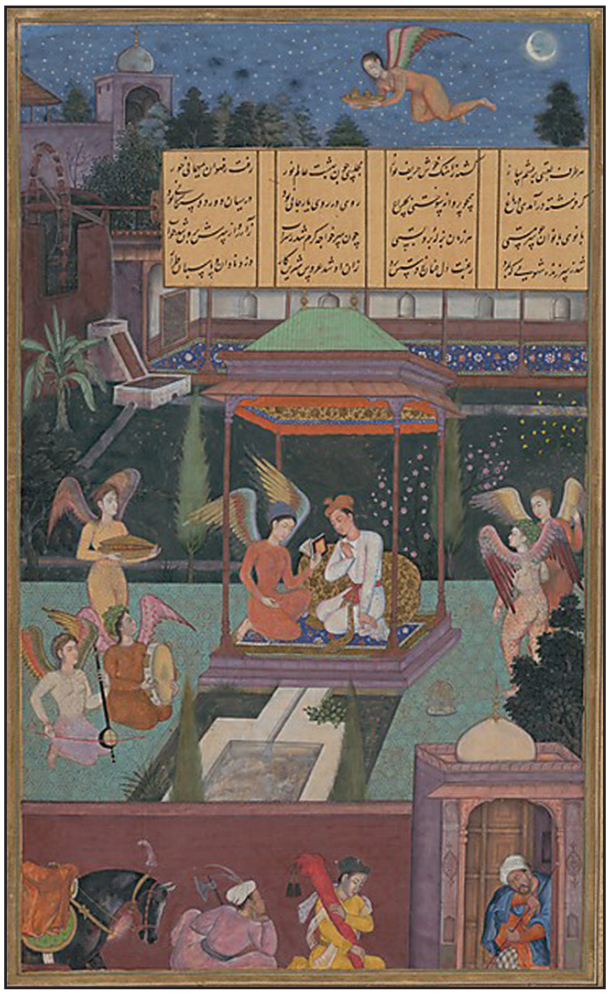

تصویر۳ب. شاهزاده با حضور فرشتگان در باغ. مأخذ : www.metmuseum.org

تصاویر۳. حضور نمادین حوض در نگاره‌ها بر روایت موضوع نگاره در بستر باغ دلالت دارد.

بخشیدن به باغ در هندسه‌ای خاص خود را مطرح می‌سازد و طبیعت با جلوه‌های گوناگون خود در آمیختگی همه‌جانبه با فضا نقشی پررنگ پیدا می‌کند. باغ ایرانی نظم فضا و منظرهٔ خود را از انسان و ذهنیت او می‌گیرد و جزءفضاها با اصالت طبیعت آراسته می‌شوند. می‌توان گفت باغ ایرانی نظمی دوگانه دارد : در کل و انتظام خود، انسان‌مدار و در جزء و فضای ملموس، طبیعت‌مدار است (منصوری، ۱۳۸۴). با تعمق در نظرات فوق و مرور تجربهٔ حضور در باغ هندی به نظر می‌رسد نقطهٔ افتراق باغ هندی از باغ ایرانی از اینجا نشأت می‌گیرد که اگرچه حاوی نظمی انسان‌مدار و بیشتر هم تسلط‌گراست اما دیگر جزءفضاها و فضای ملموس آن طبیعت‌مدار نیستند. چنانکه حضور درختان در باغ‌های هندی عناصری مجزا هستند که تنها بر منظرهٔ نمادین از باغ دلالت دارند و فضایی قابل تأمل برای انسان خلق نمی‌کنند. در حقیقت بار دیگر عنصر گیاه همچون عنصر آب کارکرد معنایی و عملکردی خود را از دست می‌دهد و تنها جنبهٔ نمادین آن خودنمایی می‌کند. در باغ هندی، جهان‌بینی اسلامی که بر تعامل با طبیعت به عنوان منبع شناخت و ادراک تأکید دارد از منظر باغ هندی رخت برمی‌بندد. گیاه در جای جای باغ‌های هندی به صورتی نمادین در قالب تک‌درختی دست‌نخورده در میان کرت‌ها یا به صورت ردیفی از درختان پیرایش‌شده در محور اصلی باغ حضور دارد که بار دیگر مقهور تسلط نظم‌گرایی جهان‌بینی حاکم شده‌اند. به طور کلی در منظر باغ‌های گورکانی، گیاهان حضور کم‌رنگی دارند و این درحالی است که سرزمین هند از نظر پوشش گیاهی غنی است؛ چنانکه در ورای حصار باغ شاهد انبوه پوشش گیاهان هستیم. نسرین فقیه (۱۳۸۴) در توضیح کاهش حضور گیاهان در تاریخ منظرسازی باغ گورکانی بیان می‌دارد در اواخر قرن ۱۶، باغ گورکانی خلاصه می‌شود به سلسله‌ای از کاخ‌ها با هیبت مرمرین که هدف از ایجاد آنها بیشتر نمایش قدرت است تا ایجاد مکانی بهشتی برای لذت بردن از مواهب طبیعت. به نظر می‌رسد پیرایش باغ از حضور درختان تأکیدی است بر نظم‌بخشی حاکمان گورکانی بر بی‌نظمی سرزمین هند (تصاویر۴). در نگاره‌های هندی نیز گیاه به عنوان عنصری شورانگیز در فضا

تصویر۴الف. باغ‌مقبره تاج محل. آگرا. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

تصویر۴ب. باغ‌مقبره بی‌بی‌کا. اورنگ‌آباد. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

تصویر۴ج. باغ‌مقبره همایون. دهلی. عکس : شروین گودرزیان، ۱۳۹۱.

تصاویر ۴. توزیع پراکنده گیاه در باغ هندی و حضور نمادین آن در محور اصلی باغ نشان از عدم تعامل باغ هندی با طبیعت دارد.

مطرح نیست. به استثنای نگاره‌های بابرنامه که اختصاصاً بنابر توصیفات باغ تصویرسازی شده‌اند و حضور حداکثری درختان را شاهد هستیم (البته باید به نقش ادبیات در این میان نیز توجه داشت چراکه بابرنامه در دورهٔ اکبر مصور شده است و نگارگران به رغم جهان‌بینی و زیبایی‌شناسی حاکم به توصیفات ادبی وفادار بوده‌اند) درخت در دیگر نگاره‌ها یا در ورای حصار باغ نمایش داده می‌شود یا به صورتی نمادین و تزیینی و اغلب در اندازه‌ای کوچک در کنار عنصر آب به نمایش گذاشته می‌شود و گویی بر همان نظم انسان‌ساخت حاکمان گورکانی دلالت دارد که آن را وسیله مباهات خود می‌شمارند. بنابراین سلطه بر طبیعت به جای تعامل با آن به خوبی در نگاره‌ها مشهود است (تصاویر۵).

عنصر معماری : عنصر کوشک که در باغ‌های ایرانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است در باغ‌های هندی با وجه غالب مقبره نمود پیدا می‌کند به طوری‌که گونه باغ‌مقبره شاخص باغسازی هندی دوره گورکانی می‌شود. مقبره‌سازی به عنوان عنصر وارداتی از ایران در دستیابی گورکانیان به الگوی تسلط‌گرایی حتی در عالم پس از مرگ نقش مهمی بازی می‌کند. اهمیت بنای باغ با مرکز قرارگرفتن، ابعاد بسیار بزرگ و همچنین قرارگیری روی سکو که دسترسی مستقیم به آن را مانع می‌شود از جمله ویژگی‌های معماری تیموری است که با تفکرات گورکانی نیز همخوانی دارد و در باغ‌های آنها نیز نمود پیدا کرده است. به عبارتی، مرکزیت بنا نمادی از استبداد سیاسی دورهٔ گورکانی است که بقیهٔ جامعه تحت

لوای او قرار دارند. چنانکه باغ مظهری از بهشت است، حاکم نیز سایه خدا بر زمین است. به نقل از «اکبرشاه» آمده است همان‌طور که خدا یکی است و شریک ندارد، سایه خداوند بر روی زمین نیز باید یکی باشد (Kusar, 2006 به نقل از Tripathi,1998).

در طول حکومت سلسله گورکانی بر هند (فاصله قرون ۱۶ تا ۱۸ میلادی) نیز شاهد اهمیت این وجه از مفهوم باغ هستیم؛ باغ‌های هندی عظمت و قدرت امپراتوری گورکانی را حتی تا به امروز نیز نشان می‌دهند. با ورود به باغ‌مقبره‌های هندی ابهت بنا به قدری خودنمایی می‌کند که به مخاطب کمتر اجازهٔ تأمل در محیط اطراف را می‌دهد. عظمت بنا اختلاف چشمگیری با دیگر عناصر موجود در مجموعه چون آب و گیاه دارد که نه تنها با آنها در تعامل نیست، بلکه آنها را وادار به نمایش ابهت خود می‌کند (تصاویر۶). «کسروی» در مقالهٔ خود تحت عنوان «دیدگاه کلاسیک و ارگانیک در مقبره‌سازی اسلامی هند» نظام باغ‌مقبره‌های هندی را کلاسیک می‌داند که یکی از نشانه‌های شاخص آن نظم هندسی است تا به واسطهٔ آن تسط بر طبیعت را نشان دهند. به عبارتی نظمی دستوری بر آن حاکم است. توجه به کوشک در نگاره‌های گورکانی تاحدی است که شاخص این

تصاویر۵. اگرچه در نگارهٔ توصیفی از باغ توجه به پوشش گیاهی حداکثری است اما در دیگر نگاره‌ها که توصیف باغ مطرح نیست و تنها اتفاق موضوع نگاره در فضای باغ مدنظر است، عنصر گیاه یا نمایشی نمادین دارد و یا در ورای دیوار باغ به تصویر کشیده می‌شود.

تصویر۵الف. بابر در حال نظارت بر ساخت باغ وفا. مأخذ: www.warfare.uphero.com

تصویر۵ب. مجلس شاهانه در باغ. مأخذ: www.corbisimages.com

تصویر۵ج. مجلس شاهانه در باغ. مأخذ: www.culturalindia.net

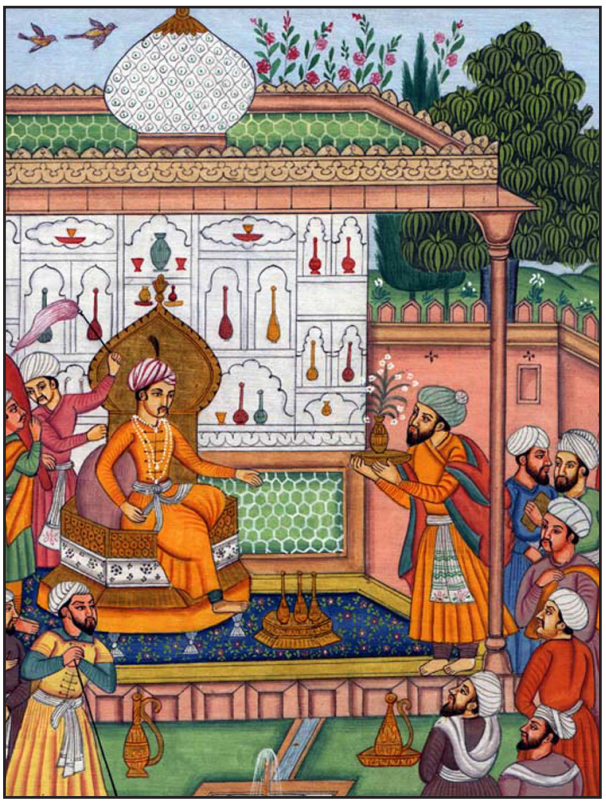

نگاره‌ها به حساب می‌آید. صفه‌نشینی، سنتی متداول در میان گورکانیان است که چه در فضای کوشک و چه در فضای بیرون حاکم تسلط خود را به فضا اینگونه نشان می‌دهد. در برخی نگاره‌ها شاهد هستیم حاکم در فضای بیرون بر روی تخته سنگی که حکم همان صفه را دارد نمایش داده می‌شود. عدم استفاده از درختان بلند و سایه‌دار در محور اصلی باغ که بر عظمت کوشک در نقطه مرکزی باغ تأکید می‌کند، در نگاره‌ها نیز با اشغال حجم حداکثری کوشک در ترکیب‌بندی نگاره و رخداد وقایع بر روی آن مدنظر قرار می‌گیرد (تصاویر۷).

تصاویر۶. توجه به عظمت‌گرایی بنا در مجموعه و رنگ متضاد آنها با محیط اطراف نشان از زیبایی‌شناسی تسلط‌گرای گورکانی دارد.

تصویر۶الف. باغ‌مقبره همایون. دهلی. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

تصویر۶ب. باغ‌مقبره تاج محل. آگرا. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

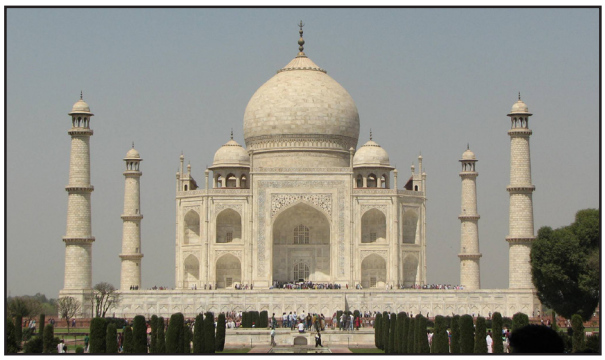

تصویر۶ج. باغ‌مقبره بی‌بی‌کا. اورنگ‌آباد. عکس : پدیده عادلوند، ۱۳۹۱.

تصاویر۷. توجه به کوشک و صفه در نگاره‌های هندی مشخصه بارزی است که از اهمیت آن نزد گورکانیان دلالت دارد.

تصویر۷الف. بابر در حال نظارت بر ساخت باغ که بر روی تخته سنگی صفه‌مانند ایستاده است. بابرنامه. مأخذ : www.gallery.ca

تصویر۷ب. شاه و معشوقه‌اش در کوشک. مأخذ: bodley30.bodley.ox.ac.uk

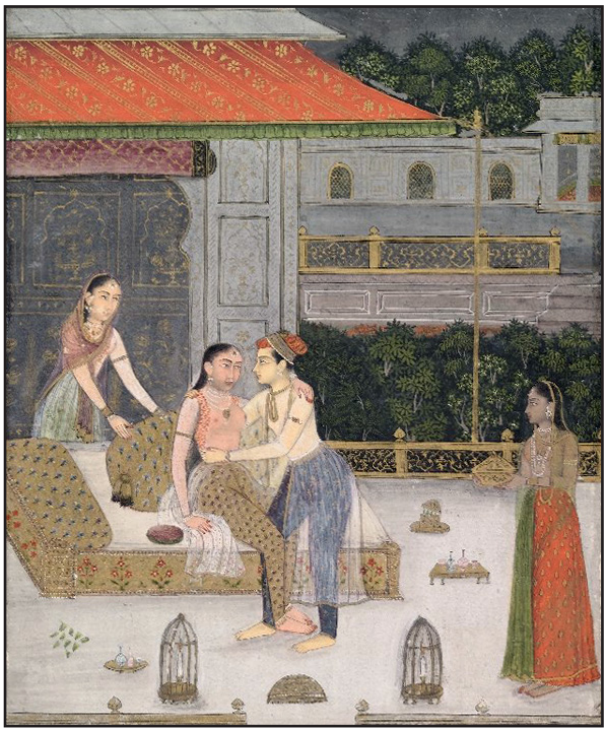

نتیجه‌گیری

باغسازی و نگارگری هندی از جمله هنرهایی هستند که ریشه در ایران دارند. این دو هنر در ابتدای ورود به سرزمین هند در دوران گورکانی با تمام عناصر زیباساز ایرانی- اسلامی وارد می‌شود، اما به مرور تحت تأثیر جهان‌بینی گورکانی و زمینه هندی، کارکردهای اولیه این عناصر دستخوش تغییر می‌شود. باغ گورکانی برعکس باغ ایرانی نه تنها درصدد تعامل با طبیعت برنیامده، بلکه تسلط بر آن رویکردی است که باغسازی و نگارگری گورکانی آن را دنبال کرده است.

در جهان‌بینی گورکانی تسلط‌گرایی همواره مهم تلقی می‌شده، لذا نگارگری در دربار گورکانی نیز به رغم بهره‌مندی از حضور نگارگران ایرانی نتوانست در مقابل نوع نگاه گورکانی مقاومت کند و فضاهای بهشت‌گونه و آرمانی نگاره‌های ایرانی را شاهد نیستیم. این نگاه به هستی چنان قوت می‌گیرد که در باغ‌مقبره‌ها شاهد عظمت‌گرایی اغراق‌آمیز بنای مقبره به عنوان نماد قدرت حاکم بر زمین هستیم؛ تا حدی که تسلط آن بر فضای باغ یکی از ویژگی‌هایی برشمرده می‌شود که سبک باغسازی گورکانی را شکل می‌دهد. همین اتفاق در نگاره‌ها نیز می‌افتد؛ چنانکه فضاسازی اکثر نگاره‌ها نه تنها حول کوشک، بلکه اغلب در بالای کوشک و روی صفهٔ آن اتفاق می‌افتد که ناظر بر چشم‌انداز اطراف است و به نظر از همان تفکر اقتدارگرای گورکانی نشأت می‌گیرد.

در باغ‌مقبره و نگاره‌های گورکانی انسان در تعامل با طبیعت به نظر نمی‌رسد، بلکه باید در ورود به آن عظمت حاکم را درک کند. لذا تمامی عناصر باغ با کارکردی نمادین و تزیینی در خدمت این نوع نگاه به سر می‌برند.

به طور کلی، زیبایی‌شناسی الگوی باغ در باغ‌مقبره و نگاره‌های گورکانی تحت تسلط جهان‌بینی گورکانی شکل گرفته است و نگاه هنرمند باغساز و نگارگر به موضوع مشترک باغ نه از ستایش طبیعت که از تسلط بر آن سخن می‌گویند و به اصطلاح از یک «زیبایی‌شناسی تسلط‌گرا» حکایت می‌کند.

فهرست منابع

• فقیه، نسرین. (زمستان ۱۳۸۴). باغ‌های گورکانی، از کابل تا هند، *مجله موزه‌ها*، (۲۰) : ۶۸-۶۷.

• کسروی، رضا. (در دست چاپ). دیدگاه کلاسیک و ارگانیک در مقبره‌سازی اسلامی هند از مجموعه مقالات طرح پژوهشی هنر و تمدن ایران و هند. تهران : مرکز پژوهشی نظر.

• منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی، *مجله باغ نظر*، ۲ (۳) :۶۳-۵۸.

• Kusar, S. (July 2006). *Meaning of Mughal Landscape*, Paper Presented at the Forum UNESCO University and Heritage, 10th International Seminar, "Cultural Landscapes in the 21st Century".

کتابشناسی

• انصاری، مجتبی. (اسفند ۱۳۸۹ و فروردین ۱۳۹۰). باغ ایرانی، زبان مشترک منظر در ایران و هند، *مجله منظر*، (۱۳) : ۹-۶.

• پاکزاد، زهرا. (بهار و تابستان ۱۳۸۹). هنرمندان بزرگ دربار مغول هند متأثر از مکتب نگارگری صفویه، *مجله جلوه هنر*، (۳) : ۶۰-۵۱.

• راجرز، جی. ام (۱۳۸۲). *عصر نگارگری : سبک مغول هند*، تهران : نشر دولتمند.

• راجرز، جی. ام. (مهرو آبان ۱۳۸۵). نگارگری مغول، قدرت و شخصیت، ترجمه : جمیله هاشمی، *مجله کتاب ماه هنر*، (۹۸و۹۷) : ۸۲-۷۲.

• رسولی، زهرا. (بهمن و اسفند ۱۳۸۱). مینیاتورهای بابرنامه، *مجله کتاب ماه هنر*، (۵۳ و ۵۴) : ۹۴-۸۶.

• زمانی، احسان و دیگران. (آذر ۱۳۸۸). نقش متقابل هنر منظرپردازی و نگارگری ایرانی، *مجله کتاب ماه هنر*، (۱۳۵) : ۹۱-۸۰.

• فقیه، نسرین. (پاییز ۱۳۷۰). چهره باغ ایرانی، *مجله ایران‌نامه*، (۳۶) : ۵۸۸-۵۶۵.

• لطیفیان، طناز و نجار لطفی، الناز. (تابستان ۱۳۸۸). بابرنامه و باغ، *مجله گلستان هنر*، (۱۶) : ۷۳-۶۵.

• مسعودی، عباس. (بهار۱۳۸۴). باغ‌های ایران و هند، *مجله معماری و فرهنگ*، ۶ (۲۱) : ۱۴۶-۱۴۱.